

# آیا باید از تحولات و پیشرفت‌های علم و تکنولوژی نگران بود؟

## آدمی چاره‌ساز است

### محسن آزموده

واکنش اولیه عموم نسبت به تحولات و به تعبیر رایج‌تر پیشرفت‌های علم و تکنولوژی، حیرت و شگفت‌زدگی است، اگر پیش از آن انکار نباشد. البته این پیشرفت‌ها به خصوص در چند دهه اخیر آن قدر گسترده و متنوع بوده که دیگر کسی انکار نمی‌کند و هر چیزی راجع به آینده علم و تکنولوژی و توانمندی‌های آنها بگوید، باور می‌کنند. یعنی حتی اگر کسی بگوید علم و تکنولوژی بر مرگ هم فائق شده‌اند و می‌توانند انسان را جاودانه کنند، تعجب نمی‌کنیم. به تعبیر یکی، امروز دیگر بشریت چیزی که کم دارد، تخیل است، وگرنه همه موقعیت‌هایی که تا زمانی صرفاً تخیلی محسوب می‌شد و جزو آرزوهای دست‌نیافتنی، امروز ممکن به نظر می‌رسد.

اما عکس‌العمل دوم در برابر این تحولات و به اصطلاح پیشرفت‌ها، نگرانی است، ترس از اینکه این پیشرفت‌های بی‌مهار و همه‌جانبه، معنا و مفهوم انسانیت و زندگی انسانی و اساساً حیات بشر را زیر سوال ببرد. بازتاب و پژواک این نگرانی را هم در گفتارهای روزمره انسان‌ها می‌توان شنید، هم در آثار ادبی و هنری خواند، آثار مشهوری چون دنیای قشنگ نو آلدوس هاکسلی یا فرانکنشتاین مری شلی در ادبیات و 2001 یک اودیسه فضایی اثر کوبریک و بلیدرانر اثر ریڈلی اسکات در سینما، نمونه‌های کلاسیک این آثار هستند.

نکته جالب اما این است که دانشمندان و اهل تکنولوژی در عمل، چندان وقعی به این نگرانی‌ها نمی‌گذارند و کار خود را می‌کنند. البته همیشه بودند و هستند عالمان و دانشمندان که نسبت به اختراعات و اکتشافات و پیشرفت‌ها، نگرانند و احساس مسوولیت می‌کنند. اما همین شمار اندک هم قبول دارند که جریان پیشرونده علم و دانش و پیشرفت‌های فناورانه متاثر از آنها را نمی‌توان متوقف کرد و ذهن جویا و پویا و کنجکاو و نوخواه بشر، به هر حال به هرچه بخواهد، دست می‌یابد و منع و ممنوعیت و روش‌های بازدارنده، تنها حرص و ولع او را برای دستیابی به آن پیشرفت‌ها بیشتر می‌کند.

با این حساب پرسشی که مطرح میشود، این است که راه حل معقول و منطقی در برابر این پیشرفت‌ها و نوجویی‌ها چیست؟ آیا باید سکوت کرد و دست روی دست گذاشت تا دانشمندان هر کاری خواستند بکنند؟ قطعاً خیر. بی‌تردید راه حل در بگیر و ببند و ممنوعیت ایجاد کردن برای دانشمندان نیست. آدمی چاره‌ساز است. مسیر پیشرفت و تحول علم و تکنولوژی عمری به درازنای تاریخ حیات انسان دارد. بشر در این هزاره‌ها کوشیده خودش را با شرایط جدید وفق دهد و برای پیامدهای ناگوار پیشرفته‌های جدید چاره اندیشیده. تقویت پایه‌های وجدان اخلاقی و مهم‌تر از آن سازوکارهای دموکراتیک کردن قدرت و تکثر آن، بزرگ‌ترین راه چاره است. در همین موضوع پیشرفت هوش مصنوعی یا امکان ذهن‌خوانی، اگر قدرت سیاسی متکثر باشد و عناصر متکثر قدرت بر یکدیگر نظارت داشته باشند و شمار هر چه بیشتری از انسان‌ها، امکان دسترسی به پیشرفت‌ها را داشته باشند، قطعاً امکان سوءاستفاده‌ها به میزان فراوانی کم خواهد شد و در صورت بروز تخلف، امکان پیگیری و بازخواست فراهم است. به دیگر سخن، وجوه گوناگون زندگی بشری با یکدیگر مرتبطند و برای کاستن از نتایج ناخواسته و منفی پیشرفته‌های ناگزیر علم و تکنولوژی، به جای دستورالعمل‌های بیهوده صادر کردن، نگرانی‌های بی‌مورد و روش‌های سلبی بی‌فایده، بهترین راه حل تعبیه سازوکارهای دموکراتیک و قانونی برای جلوگیری از تمرکز فسادانگیز قدرت و تکثر آن است، تا همگان بتوانند بر خود و بر دیگران نظارت کنند و در جریان ساختن مسیر زندگی سهیم باشند.